

امروز بامداد سفارت و مرکز فرهنگی بریتانیا در باغ قلهک در تهران مورد یورش و اشغال اوباشان رژیم اسلامی که خود را "دانشجوی بسیجی" نامیده اند قرار گرفت. اگرچه برخی از ناظران سیاسی، ساده اندیشانه این یورش را "دیوانگی و نادانی رژیم خوانده اند"، ولی بی گمان این دسیسه ی دیگری برای نابودی ایران است.

این دومین باریست که نظام نو قاجاریه روضه خوانان در طی حیات سی و اندی ساله استبدادی خود، برخلاف عرف قوانین بین المللی و دیپلماتیک، سفارتخانه کشوری را مورد اشغال خود در می آورد. نخستین بار در آبانماه ۱۳۵۸ اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان خط امام" در زمان روح الله خمینی صورت گرفت که اکبر هاشمی رفسنجانی مغز و طراح اشغال سفارت بود، و او درصدد آن بود که رژیم نوپای خود را ضد آمریکایی و امپریالیستی به جهان بشناساند، که البته با تأیید سازمان 'سیا' انجام گرفت بود. ولی امروز داستان یورش به سفارت بریتانیا بر سر چیست؟

همانگونه که یورش به سفارت آمریکا در سال ۵۸ با آگاهی و تأیید شخص خمینی و نیز آمریکاییان انجام گرفته بود، امروز نیز اینگونه یورش ها و حرکات، هرگز خودسرانه و بدون تأیید دستگاه و نیز بدون برنامه ریزی و تأیید دولت غربیانه بویژه بریتانیا انجام نمیگیرد. واقعیت اینست که رژیم اسلامی همانگونه که از نخستین روز بنیانگذاریش، هرگامی که برداشته است همواره برضد منافع ملی کشور و تأمین منافع غریبان بوده است، امروز نیز این حرکت در روند همان سیاستهای ضد ایرانی می باشد و بیگمان توسط اربابان رژیم جمهوری اسلامی در لندن برنامه ریزی شده است، تا با ایجاد تنش و تشنج بیشتر و با ساخت یک فضای جنگی در منطقه فروش ابزارآلات نظامی خود را به اعراب افزایش داده و همچنین با متشنج ساختن منطقه نفت خیز خاورمیانه، بهای نفت را بالاتر برده، که بسود کمپانی های بزرگ نفتی غربیایان یابد. بویژه آنکه یک هفته پیش از اشغال سفارت شماری از کارکنان سفارت به لندن بازگشته بودند، از جمله چند تن از کسانی که زمان تحصیل با این نگارنده در SOAS در رشته ایرانشناسی تحصیل کرده بودند و حضورشان در لندن آنهم در یک زمان شک برانگیز بود.

در هر روی، بیگمان در چند ماه آینده ما شاهد تشنجات بیشتری در منطقه خواهیم بود؛ از ایجاد اختلافات مابین ایران و کشورهای عربی خلیج فارس گرفته، تا گفتگوهای پیرامون انرژی اتمی. اینگونه تنشها و تشنجات در دراز مدت منجر به توجیه حضور نظامی غریبان، بویژه آمریکا در منطقه خلیج فارس خواهد شد. البته درگیری جنگی مابین ایران از یکسو و کشورهای عربی و عربی از سوی دیگر بیگمان جزو برنامه میباشد.

در این بین ملت ایران، مانند گذشته برای دفاع از کشور، از مسائل درونی، که زور و ستم ملایان است چشم پوشی کرده و دست اتحاد بسوی نظام دراز میکنند. این حرکت موجب خاموش سازی و نابودی جنبشهای ملی برضد نظام خواهد شد و بریتانیا بقای نظام ورشکسته اسلامی را برای سی و اندی سال دیگر در ایران ضمانت و یا با ناتوان ساختن کشور در حفظ یکپارچگی زمینه را برای تجزیه ایران فراهم خواهد ساخت.

در پایان، "ویلیام هیگ" همدارش بدور از حقیقت نیست که "ایرانیان بهای سنگینی برای اینکار پرداخت خواهند کرد."

